گفت‌وگو

امام جمعه لواسان در گفت‌وگو با جام جم:

فساد در لواسان پیچیده‌تر شده است

سید سعید لواسانی، امام جمعه لواسان در سال‌های اخیر امام جمعه‌ای پای کار نشان داده، شخصی با صراحت لهجه، بی‌تعارف و پیگیر. یك پای مطرح شدن بسیاری از تخلفات بزرگ در دادگاه‌های لواسان همین شخص بوده و هم اوست که معتقد است با این‌که کارهایی انجام شده، ولی کارهای انجام‌نشده در لواسان خیلی بیشتر است. امام جمعه این شهر این بار در گفت‌وگو با جام جم تلنگری تازه می‌زند و می‌گوید تخلفات از دل شهر لواسان به روستاها و حومه آن کوچ کرده، به جایی مثل هنزك. اما وی می‌داند که این تلنگر در دولت فعلی اثر نمی‌کند، برای همین امید بسته است به دولت آینده تا شاید با تغییر رویکردها، مبارزه با فساد و مفسدان را بدون تبعیض در دستور کار قرار دهد.

۲۲ هکتار از اراضی تپه سرخه در لواسان همچنان محل مناقشه است و با این‌که به‌ظاهر زمین‌خواران دست از کار کشیده‌اند، ولی سایه حضور آنها حس می‌شود. به عنوان امام جمعه چه اقدام یا پیگیری جدیدی انجام داده‌اید؟

من به‌جز گفتن و بیان مشکلات نمی‌توانم کار خاصی انجام دهم، چون اقدامات را مسؤولان دولتی باید انجام دهند. با این حال در حوزه اقدامات عملی نیز تا اندازه‌ای جلو آمدیم و دادگستری و دادستانی لواسان در حال پیگیری تخلفات و مشکلات لواسان هستند. البته در این راه ما به دولت فعلی امیدی نداریم و هرچه زدیم، به نتیجه نرسیدیم. بنابراین امیدمان به دولت آینده است.

اگر به دولت امیدی ندارید، حتما به این دلیل است که برای مبارزه با فساد کاری انجام نمی‌دهد و این دست روی دست گذاشتن، یعنی تشدید فساد و تخلف در لواسان. درست است؟

بله، به نظر می‌رسد در برخی جاها فساد پیچیده‌تر شده، یعنی از شهر لواسان وارد حومه و حریم روستاها شده. مثلا می‌بینید که در یك روستا آپارتمان هشت طبقه ساخته شده که خیلی غیرعادی و نامعقول است. به دلیل رخنه‌ای که در قوانین شده و نیز بی‌توجهی مسؤولان دولتی، عده‌ای نهایت سوءاستفاده را کرده‌اند. البته بعد از ورود دادگستری تا حدی جلوی تخلفات گرفته شده، هرچند تخلف در شهر کمتر شده و به سمت حاشیه‌ها رفته.

می‌گویید دقیقا به کدام حاشیه‌ها؟

منظورم نقاط روستایی یا حریم روستاها هست. تخلفات در لواسان بزرگ و روستاهای آن الان آغاز شده و در هنطك نمونه‌های زیادی داریم که هم به بستر رودخانه تجاوز شده و هم در خود روستا تخلف اتفاق افتاده است.

سرنوشت تپه سرخه بالاخره چه خواهد شد؟

در مورد تپه سرخه حکمی که قوه قضاییه و دیوان عالی کشور داد، حکم خوبی بود. ولی به نظرم مسؤولان دولتی تعلل می‌کنند و به همین علت متخلفان می‌توانند سوءاستفاده کنند. در این میان سازمان محیط‌زیست نیز خیلی بد رفتار می‌کند، ولی امیدواریم با تغییر رئیس این سازمان اتفاقات خوبی رخ دهد.

یعنی فکر می‌کنید با تغییر رئیس یك سازمان، وضعیت لواسان بهتر می‌شود؟

باید رویکردها تغییر کند، نه یك شخص. وقتی دولت عزمی برای برقراری عدالت و برخورد با تخلفات نداشته باشد، مشکل حل نمی‌شود. براساس تجربه‌ای که دارم، قاطعانه می‌گویم اگر قرار باشد عدالت برقرار شود، بیش از ۷۰ درصد نقش با قوه مجریه است و قوای مقننه و قضاییه نقش کمی دارند.

گفته می‌شود در لواسان با تخلفات و متخلفان برخورد گزینشی می‌شود. این موضوع را تایید می‌کنید؟

به نظرم مقصر اصلی دولت است، چراکه در مقابل کسانی که پول و قدرت دارند، سکوت می‌کند و چشم می‌بندد. ولی در مقابل عامه مردم با شدت و حدت برخورد می‌کند. تبعیض یکی از بدترین کارهایی است که در سال‌های اخیر انجام شده که البته قوه قضاییه هم تا حدی تقصیر داشته چون قاضی براساس نظر دولت حکم می‌داد. یکی از اعتراضات من همین بود که قاضی باید حواسش جمع باشد و حرف دولت را بدون تحقیق و بررسی نپذیرد. سیستم دولتی ما به‌واقع مشکل دارد و در آن یك کارشناس یا مدیر جزء هر کاری که دلش خواست، می‌تواند انجام دهد. این بدتر از بد است.

برگزاری بدون تاخیر کنکور کارشناسی ارشد

فاطمه زرین‌آمیزی، سخنگوی سازمان سنجش آموزش کشور از برگزاری کنکور کارشناسی ارشد در موعد مقرر روزهای ۶، ۷ و ۸ مرداد خبر داد و عنوان کرد: «براساس مصوبه ستاد ملی مقابله با کرونا، کنکور کارشناسی ارشد ۱۴۰۰ بدون تاخیر برگزار می‌شود.» سخنگوی سازمان سنجش آموزش کشور ادامه داد: «تعداد داوطلبان کنکور کارشناسی ارشد امسال ۶۳۴ هزار و ۵۴ نفر است.» / ایرنا

ویزیت اتباع بیگانه با کارت آمایش و برگ تردد

مهدی رضایی، معاون بیمه و خدمات سلامت سازمان بیمه سلامت از توقف صدور دفترچه بیمه برای اتباع و مهاجران خارجی خبر داد و گفت: «اتباع بیگانه آسیب‌پذیر و غیرآسیب‌پذیر از این پس با ارائه کارت آمایش و برگ تردد معتبر خود به مراکز تشخیصی- درمانی طرف قرارداد، می‌توانند خدمات مورد نیاز را در قالب نسخه‌نویسی و نسخه‌پیچی الکترونیك دریافت کنند.» وی ادامه داد: «پناهندگان غیرآسیب‌پذیر در صورت پرداخت حق بیمه و ثبت و تایید اطلاعات خود در مراکز پیشخوان دولت، می‌توانند از خدمات بهره‌مند شوند.» / سازمان بیمه سلامت

با وجود آزادسازی ۲۷ هکتار از وسعت تپه‌سرخه، هنوز زمین‌خواران به ۲۲ هکتار از این تپه چشم طمع دارند

عکس: چاوش هماوندی جام جم

گزارش میدانی جام جم از تخلفات ساختمانی و زمین‌خواری در لواسان که همچنان پرقدرت ادامه دارد

زمین‌خواری بی‌پایان در لواسان

مریم خباز

جامعه

لواسان یک تن خسته دارد، یک جسم داغان و کوفته، انگار روی دوش یک آدم نحیف، کوهی گذاشته باشند. لواسان شهر اعیان‌نشین شمیرانات، شهری که ۵۰ سال پیش در دشت نیمه‌هموار گلندوک بنا شد به‌قدری سریع رشد کرد که شبیه شعبده است. تقسیماتی که ۵۰ سال پیش وجود داشت و مرزهایی که نیم قرن قبل دهستان‌های لواسان بزرگ و کوچک و ۲۲ روستای آن را از هم جدا می‌کرد حالا به‌قدری محو است که انگار هیچ‌وقت نبوده، به جایش یک شهر لواسان است با ساخت و سازهای غول‌پیکر، مجتمع‌های تجاری خاص، ویلاهای بی‌سر و ته و اشرافی و چند تپه که مشرفند به شهر و آب‌های فیروزه‌ای سد لتیان که جان می‌دهند برای خورده‌شدن، بالاکشیدن و دست‌درازی.

لواسان، مسیر توسعه را از آبادی گلندوک شروع کرد، این مسیر سپس راه کج کرد و به آبادی‌های نجارکلا، قاضی‌آباد، ناران، تیمورآباد، سبوبزرگ و سبوکوچک، جائیج، شورکاب، احمدآباد، دکترکشفیان، استلک، توک زرعه، نوشانی و لشگرک رسید. چون لواسان سودای بزرگ‌تر شدن داشت تا آبادی قدیمی کلاک و تپه سید پیاز هم کش آمد و دست آخر خود را به لبه دریاچه سد لتیان رساند. حالا هم که دیگر جایی برای کش آمدن نیست، تپه‌ها شده‌اند قبله آمال عده‌ای، حتی اگر این تپه‌ها جایی باشند مثل تپه سرخه.

«تپه‌سرخه» تپه‌ای است در فصل تابستان به رنگ زرد با گیاهان خودروی خشک، تپه‌ای که ملخ‌های ریز خاکی رنگ رویش جست می‌زنند و کنار تنه‌های قطع شده درختان کاج سایه می‌گیرند.

تپه‌سرخه اما فقط این نیست بلکه تپه‌ای است نیمه مرتفع که وقتی روی نقطه اوجش می‌ایستی شهر لواسان زیر پایت می‌شود ماکت یک شهر، کوچک و مورچه‌ای، انگار که گالیور به لی‌لی‌پوت نگاه می‌کند.

این ویژگی برای تپه‌سرخه‌ای که ویوی ابدی دارد شده‌است دردسر، برای اهالی روستای نجار کلا که در پایین‌دست تپه خانه دارند و در بالادست اموات خود را به خاک سپرده‌اند نیز شده‌است قوز بالا قوز. داستان زمین‌خواری و کوه‌خواری روی این تپه به اندازه‌ای مفصل است که هنوز هم وقتی خبرنگاری از راه می‌رسد پیرمردهای محل که به ستوه آمده‌اند دور هم جمع می‌شوند، به ماشین‌های شخصی‌شان استارت می‌زنند و راه خاکی و سربالایی تپه را تا رسیدن به قبرستان بالا می‌آیند که درد دلشان را بگویند. درد دل اینها زمین‌خواری است، چنگ‌انداختن روی اراضی ملی است، زد و بند و دورزدن قانون و بسته‌بودن چشم مجریان قانون است؛ به قول یکی‌شان این که چرا وقتی پنجره اتاق فرماندار و شهردار رو به سوی تپه باز می‌شود زمین‌خوارها کار خودشان را می‌کنند.

> تپه سرخه مثل لقمه‌ای است که از دهان شیر بیرون کشیده شده باشد؛ به همان اندازه دست‌خورده و ویران. درخت‌های آن را که روزگاری نه‌چندان دور متراکم بوده و جنگلی دست‌کاشت به‌شمار می‌رفته در وسعتی ۵۰ هکتاری کمرشکن کرده و از بین برده‌اند، فقط با هدف آماده‌کردنش برای ساخت و ساز

۲۲ هکتار زمین در خطر است

با این که هفته‌دوم تیرماه و سر ظهر است بالای تپه چندان گرم نیست، کنار نهر قلعه بالای اولیا در پایین‌دست تپه نیز همین‌طور. نهرخشکیده، خیلی سال است ولی درختانی که هنوز کنار بستر قدیمی نهر زنده‌اند بر سر عابران سایه می‌اندازند. از این نهر به پایین خانه‌های مسکونی مردم نجار کلا و زمین‌های کشاورزی‌شان است، از نهر به بالا هم تپه‌ای است که تپه‌سرخه نامیده می‌شود و از پایین چشم‌اندازی زرد و خشک دارد.

تپه‌سرخه را زمانی که پیرمردهای نجارکلا جوان بودند و میانسال‌ها بچه مدرسه‌ای، به همت شهرداری و همکاری مدارس و دانش‌آموزان درخت کاشته‌اند، درخت‌های کوچک کاج که اکنون مثل خود بچه‌ها قد کشیده و بزرگ شده‌اند. جاهایی که این کاج‌ها هنوز سرپایند رنگ تپه سبز است و از دور چشم‌اندازی مخملی دارد، جاهایی که کاج‌ها را بریده‌اند ولی تپه‌سرخه به زردی می‌زند. کاج‌ها را زمین‌خوارهایی بریده‌اند که ناخن‌هایشان هنوز در تن ۲۲ هکتار از وسعت تپه فرو رفته، همان‌هایی که سال‌ها قبل ۲۷ هکتار از اراضی بالادست نهر را نیز قورت داده‌بودند؛ ولی به حکم دادگاه و پس از سال‌ها دوندگی از حلقوم‌شان بیرون آمد.

خودروهای سواری از کنار نهر استارت می‌خورند و از کنار دیوارهای سنگ‌چین شده که مقدمه‌ای بوده‌است برای ساخت و ساز بالا می‌روند. خاک نرم مسیر زیر لاستیک ماشین‌ها به هوا می‌رود و رد باریکی از گرد و غبار را در هوا باقی می‌گذارد. زمین تپه لخت است، بدون کاج، به جایش در حاشیه راه نهال‌های کوچک گردو کاشته‌اند که مثل پرچمی که باد می‌خورد، با نسیم چپ و راست می‌شوند. ماشین که جلوتر می‌رود ساختمان یک دفتر وکالت سمت راست ظاهر می‌شود؛ دفتر وکالت بالای تپه؟ ماشین که به چپ می‌پیچد، ساختمان ویلایی که عریض است با شیروانی عنابی دیده می‌شود که یک مرد و یک زن در تراس آن زل زده‌اند به راه. معتمد نجارکلا که پیرمردی است خوش صحبت و مطلع می‌گوید این ویلای ه.ز است یکی از زمین خوارهای لواسان که سال‌هاست چشم دوخته به تپه‌سرخه و با سندسازی برای اراضی ملی، خودش را مالک جا زده‌است.

ویلای ه.ز داستانی مفصل دارد و باید گفت توپخانه جبهه زمین‌خواران است. ه. ز الان کجای ایران و دنیا در حال خوشگذرانی یا کشیدن نقشه زمین‌خواری است، کسی نمی‌داند ولی او به رأی دادگاه محکوم است که برای اراضی ملی سندسازی کرده و بی‌جهت ادعای مالکیت دارد. با این حال ویلای او بر بلندای تپه‌سرخه همچنان پابرجاست و قولچماق‌هایی که او برای مراقبت از تپه استخدام کرده، گاهی با مردم محلی جدل می‌کنند و برای این که محلی‌ها را به ستوه بیاورند با آنها درگیر می‌شوند. حتی بار خاک در جاده خالی می‌کنند که مردم نتوانند بروند به بهشت بقیع، آرامستان قدیمی و بومی تپه‌سرخه.

این گورستان، چیزها به چشم خودش دیده. یک زمانی که زیاد هم دور نیست یک گروه تقریبا ۲۰ نفره از زمین‌خوارها به ادعای این که این تپه ملک شخصی‌شان است و کسی حق ندارد از آن بالا برود و دور و اطرافش بچرخد در ورودی قبرستان گیت گذاشتند و وقتی لطف‌شان بالا می‌گرفت، پنجشنبه‌ها اجازه دو ساعت زیارت اهل قبور را به مردم می‌دادند. اکنون اما گیتی در کار نیست، حتی طنابی که در ورودی گورستان کار گذاشته‌اند روی زمین افتاده، از یک سال قبل به این سو هم که گیت با حکم قضایی برچیده شد، زیارت اسیران خاک هر لحظه شدنی است. با این حال سایه سنگین حضور زمین‌خوارهایی که هنوز بر مالکیت خود در ۲۲ هکتار از اراضی تپه‌سرخه اصرار دارند روی تپه احساس می‌شود و ناخواسته سنگینی حضور ع. ز، م. ل، ه.ز، پ. ق، ح. ن، ا.م، ح. ر، ک. آ و حتی اکبر طبری که همدست عده‌ای‌شان بوده، حس می‌شود.

قانون‌شکنی از نمای بالا

حسن تپه‌سرخه، دید پانوراما‌ی آن است مخصوصا دید بیش از ۱۸۰ درجه‌ای آن به آبادترین بخش‌های شهر لواسان. با این که تپه سر و سامان درستی ندارد ولی یک برج دیده‌بانی طبیعی است که می‌شود از بالای آن آنچه را بر سر شهر می‌آورند تماشا کرد.

باد می‌وزد و گرد و خاکی بلند می‌شود و چشم‌انداز شهر را زیر لایه‌ای از غبار دفن می‌کند. با این حال هنوز تخلفات به قدری آشکار است که ساختمان‌های ایستاده درغبار با زبان بی‌زبانی حرف می‌زنند. یکی از مردم محلی که یکی از دانش‌آموزان قدیم است که روی تپه‌سرخه با دست‌های خودش درخت کاشته، انگشت می‌گیرد سمت یک ساختمان با گنبدی رومی. سپس نگاه‌مان را متوجه سمت چپ تصویر می‌کند که ساختمانی است مرتفع که دورش پلاستیک کشیده‌اند.

این دو ساختمان هر دو متعلق به یک نفر است، مردی به نام «ک» از سرمایه‌داران بزرگ کشور که پسرش سعی داشت با مدرک تحصیلی قلابی وارد مجلس شود. مردم محلی می‌گویند ساختمال اول که گنبدی رومی دارد هتل است و ساختمان دوم مجتمع‌تجاری. همین‌ها می‌گویند در لواسان برای مردم عادی ارتفاع ساختمان نهایتا ۹ متر است ولی برای «ک» این ارتفاع تا هرچه قدر که دلش بخواهد بالا می‌رود. حق با آنهاست، ساختمان گنبددار او چند سر و گردن از ساختمان‌های اطراف بلندتر است و زمین ساختمان دوم او نیز ۱۰۰ درصد زیربنا رفته و تناسبی که مردم عادی در ساخت و ساز باید رعایت کنند، شامل حال وی نشده‌است.

این هم از معجزات پول و سرمایه‌داری است که در لواسان اتفاق غریبی نیست. همین تبعیض‌ها و ویژه‌خواری هاست که لواسان را از شهر باغ‌ها و رودها به شهر ساختمان‌ها و ویلاها و دژهای شخصی تبدیل کرده و میان لواسان و هویت قدیمش فاصله انداخته. لواسان از نمای بالا شهری است زخمی که عده‌ای روی زمین‌های با ارزش آن دهان باز کرده و آماده بلعیدن هستند، تکه‌هایی از لواسان نیز گوشه لپ عده‌ای درحال جویده شدن است و بخش‌هایی از آن آماده که زیر دندان عده‌ای دیگر برود و درون معده سیری ناپذیرشان جا بگیرد.

در رویای باستی هیلز شدن

تپه‌سرخه مثل لقمه‌ای است که از دهان شیر بیرون کشیده شده باشد به همان اندازه دست خورده و ویران. درخت‌های آن را که روزگاری نه چندان دور متراکم بوده و جنگلی دست کاشت به شمار می‌رفته در وسعتی ۵۰ هکتاری کمرشکن کرده و از بین برده‌اند فقط با هدف آماده کردنش برای ساخت و ساز. این تپه مثل طعمه یک گرگ است، مثل گوسفندی که با ترفندی از دست گرگی گریخته اما ضرب دندان و پنجه‌های گرگ پشم از تن گوسفند کنده و جابه جا زخمی‌اش کرده. تپه‌سرخه هم زخمی است، درختانش دیگر آن نظم قدیم را ندارد و مثل بلالی که گاز زده و کچل می‌شود، جابه‌جا، بی‌درخت و کچل شده‌است.

مردم نجارکلا می‌گویند زمانی که راه ورود به قبرستان را بسته بودند و کسی جرأت نداشت به محوطه درختکاری نزدیک شود با نفت، بنزین، روغن و اسید درخت‌ها را خشک کرده‌بودند تا به اسم درخت خشکیده قطع‌شان کنند. یکی از محلی‌ها خم می‌شود و روی زمین لخت تپه که شیب تندی دارد، تنه بریده درختان کاج را نشان می‌دهد و می‌گوید بی‌انصاف‌ها همه را بریده‌اند.

یکی دیگر از محلی‌ها هم می‌گوید وقتی درخت‌ها را خشک می‌کردند و می‌بریدند، ادارات لواسان خواب بودند اما وقتی ما می‌خواهیم مرده‌هایمان را دفن کنیم همه آژیرکشان سر می‌رسند که ای وای شیرابه‌های تن اموات به خورد زمین می‌رود و آب سد لتیان را آلوده می‌کند. معتمد محل هم که پیرمردی خوش‌صحبت است، اضافه می‌کند زمین‌خوارها بخشی از جنگل دست کاشت را نابود کرده‌اند و به جایش درخت‌های میوه و زینتی کاشته‌اند تا فضای سبزی باشد برای ویلاهایی که بعدها ساخته می‌شود و برای این که آبی برای آبیاری داشته باشند، آب قناتی را که صاحب داشته، دزدیده‌اند.

دعوا میان زمین‌خوارها و مالکان آب هنوز در جریان است و ذهن را به این سمت می‌برد که ریشه این همه قدرت از کجاست؛ قدرتی که به آنها اجازه ساخت و ساز می‌دهد، به ویلاهایشان آب و برق و گاز و امکانات می‌رساند و حتی وقتی آب قنات کسی را می‌دزدند، سال‌ها طول می‌کشد که دست‌شان از مال مردم کوتاه شود.

البته در لواسان که بهشت زمین‌خوارها و متخلفان است از این اتفاقات فراوان افتاده و تپه‌هایی شبیه تپه‌سرخه به دفعات به تصرف درآمده، مثل تپه‌کلاک یا سید پیاز و حتی تپه‌ای که شهرک اشرافی باستی هیلز رویش قد کشیده‌است. حال باستی هیلز این روزها خوب خوب است. با این که تیرماه دو سال پیش با حکم قضایی، گیت ورودی این شهرک برداشته شد و به نوعی خلوت این شهرک اسرارآمیز به هم خورد ولی این ضربه چیزی بود در حد و اندازه چنگ و دندان نشان دادن به یک ببر بنگال. باستی هیلز نه بیدی است که با این بادها بلرزد و نه سرمایه‌داران ساکن در آن کسانی هستند که با توپ و تشرهای این چنین خود را باخته و میدان خالی کنند. مگر ع. اکه طول ویلایش از همه ویلاهای باستی بیشتر است و عرض آن همه طول خیابان نسبتا بلند ستاره را اشغال کرده و مثل یک دژ روی ارتفاع لم داده از نبودن گیت می‌ترسد؟ عده‌ای می‌خواستند تپه‌سرخه لواسان را نیز باستی هیلز ثانی کنند که فعلا نتوانسته‌اند. اگر اینها بتوانند ۲۲ هکتاری را که هنوز بر سر تصاحبش می‌جنگند و به خاطر به دست آوردنش مثل ریگ پول می‌دهند و سبیل این و آن را چرب می‌کنند، صاحب شوند بعید نیست نسخه دوم باستی روی تپه‌ای دیگر نمایان شود.